

## □ ایهام ← با دو نوع ایهام در سؤالات سراسری مواجهیم :

۱- ایهام در واژه‌های چندمعنایی متعارف و آشنا که فقط باید ایهام بودن آن‌ها را با توجه بافت و مفهوم کلام اثبات کنیم. ایهام‌های سراسری معمولاً از این نوع هستند که چندان دشوار نیستند. برداشت دو یا چند معنا از یک واژه ایهامی الزاماً باید با بافت کلام و مقصود و منظور شاعر هماهنگ باشد.

**مثال :** ○ من بسته‌ام تو ، سرمست میرام تو // آوخ که چه دام است این ، یارب چه مدام است آن (سراسری ۹۱- تهری)

• واژه «مدام» در مصراع اول این بیت ایهام دارد : ۱- دائم و پیوسته ۲- شراب

○ روزگاری شد و کس مرد ره عشق ندید // حالیا چشم جهانی نگران من و توست (سراسری ۹۱- انسانی)

• واژه «نگران» در این بیت ایهام دارد : ۱- نگران و مضطرب ۲- بیننده ، نگرنده

○ چنگ در پرده همین می‌دهت پند ولی // وعظت آن گاه کند سود که قابل باشی (سراسری ۸۸- انسانی)

• واژه «پرده» در این بیت ایهام دارد : ۱- نغمه و آهنگ ۲- مهاب و پوشش

۲- ایهام در واژه‌هایی که جزء واژه‌های چندمعنایی آشنا نیستند؛ اما شاعر آن را در بافت کلام به گونه‌ای به کار می‌برد که قابلیت برداشت دو معنا را دارد. تشخیص این نوع ایهام کمی سخت است و گاه در سؤالات سراسری دیده می‌شود.

**مثال :** ○ ای دمت عیسی دم از دوری مزین // من غلام آن که دوراندیش نیست (سراسری ۸۹- ریاضی)

• واژه «دوراندیش» در این بیت ایهام دارد : ۱- آینده‌نگر ۲- کسی که به دوری می‌انریشد.

○ تا با کمان ابرو بنشست در کمینم // در خون خویش بنشانند در تیر دلششیم (سراسری ۹۸- انسانی)

• واژه «دلنشین» در این بیت ایهام دارد : ۱- مؤثر ۲- در دل نشیننده ( تیر دلشین ) تیری که مستقیم بر دل می‌نشیند یا اصابت می‌کند.

○ **یادآوری :** در سؤالات سراسری از سال ۸۱ تا ۹۹ در واژه‌های زیر در ابیات داده شده آرایه ایهام مطرح شده است.

۱- بو ( ۹ بار ) ۲- دور از تو / دور از یار / دور از روی یار / دور از لب خندان تو ( ۷ بار ) ۳- مدام ( ۶ بار )

۴- شیرین ( ۶ بار ) ۵- نگران ( ۵ بار ) ۶- قلب ( ۳ بار ) ۷- عین ( ۳ بار ) ۸- داستان ( ۳ بار ) ۹- مهر ( ۳ بار )

۱۰- پرده ( ۲ بار ) ۱۱- سودا ( ۲ بار ) ۱۲- روزی ( ۲ بار ) ۱۳- باز ( ۲ بار ) ۱۴- شاهد ۱۵- دلنشین ۱۶- راست ۱۷- راستی

۱۸- دست آخر ۱۹- از دیده افتادن ۲۰- آهنگ ۲۱- درگرفتن ۲۲- هوا ۲۳- عهد ۲۴- آب

۲۵- شهریار ۲۶- به ۲۷- زخم ( ۱- فعل از مصدر زدن ۲- زن هستم ) ۲۸- روان ۲۹- تمام ۳۰- رخ

۳۱- شاه ۳۲- دوراندیش ۳۳- خواندن ۳۴- بازی ۳۵- منصور ۳۶- عزیز ۳۷- باری

۳۸- نوا ۳۹- مخالف ۴۰- طاق ۴۱- خسرو

□ **ایهام تناسب** ← با سه نوع **ایهام تناسب** در سؤالات سراسری مواجهیم :

۱- واژه‌ای در معنایی که در کلام مدّ نظر شاعر نیست با واژه یا واژه‌هایی دیگر **تناسب** دارد. این نوع ایهام تناسب در سراسری بسیار مرسوم است.

**مثال :** ○ به مژده جان به صبا داد شمع در نفسی // ز شمع روی تو اش چون رسید پروانه (سراسری ۹۸- هنر)

• واژه «**پروانه**» در این بیت ایهام تناسب دارد :

۱- ابازه ، میوز ( معنی پذیرفتنی )  
۲- نوعی عشره که در این معنی فقط با شمع تناسب دارد.

○ چشمت به غمزه خانه مردم خراب کرد // مخموریات مباد که خوش مست می‌روی (سراسری ۸۸- انسانی)

• واژه «**مردم**» در این بیت ایهام تناسب دارد :

۱- مردم ، انسان‌ها ( معنی پذیرفتنی )  
۲- مردمک هشتم که در این معنی فقط با چشم تناسب دارد.

۲- واژه‌ای در معنایی که در کلام مدّ نظر شاعر نیست با واژه‌ای دیگر **تضاد** دارد که اصطلاحاً به آن **ایهام تضاد** می‌گویند. **ایهام تضاد** را می‌توان از گونه‌های ایهام تناسب دانست.

**مثال :** ○ یار بیگانه مشو تا نبری از خویشتم // غم اغیار مخور تا نکنی ناشادم

• واژه «**خویشتم**» در این بیت **ایهام تضاد** دارد :

۱- خود ( معنی پذیرفتنی )  
۲- فامیل ، قوم و خویش که در این معنی فقط با بیگانه و اغیار تضاد دارد.

○ سرو زد با قامتش لاف دروغ از راستی // مردم صاحب‌نظر داند که قولش باطل است

• واژه «**راستی**» در این بیت **ایهام تضاد** دارد :

۱- راست و کشیده بودن ( معنی پذیرفتنی )  
۲- راست‌گویی و صداقت که در این معنی فقط با دروغ و باطل تضاد دارد.

۳- دو یا چند واژه در معانی دیگر خود که در کلام مدّ نظر شاعر نیستند با هم **تناسب** یا **تضاد** دارند و در آن معانی یکدیگر را تداعی می‌کنند. این نوع ایهام تناسب هم گاه در سراسری دیده می‌شود. به این نوع **ایهام تناسب** اصطلاحاً **ایهام تناسب دو واژه‌ای** یا **چندواژه‌ای** می‌گویند.

**مثال :** ○ به مهلتی که سپهرت دهد ز راه مرو // تو را که گفت که این زال ترک دستگان گفت (سراسری ۹۱- زبان)

• واژه زال در لغت به معنی زن پیر و سپیدمو است. زال در این بیت استعاره از سپهر (=آسمان و روزگار) است و واژه دستان

در این بیت به معنی مکر و حیله و جادو است. این دو واژه در معنی پدر رستم (=زال) و لقب زال (=دستان) که در بیت

مدّ نظر نیستند با هم تناسب دارند و یادآور یکدیگر هستند.

○ بیستون‌کندن فرهاد نه کاری است شگفت // شور شیرین به سر هر که فتد کوهکن است (سراسری ۸۷- ریاضی)

• دو واژه شور و شیرین در این بیت مزه شور و شیرین را به ذهن تداعی می‌کنند؛ اگرچه در این معنی و کاربرد در کلام مدّ نظر نیستند.

○ آنان که در بهار به صحرا نمی‌روند // بوی خوش ربیع بر ایشان محرم است

• دو واژه ربیع و محرم در این بیت به ترتیب به معنی بهار و حرام است؛ اما این دو واژه در معنای نام دو ماه از

ماه‌های قمری که در بیت مدّ نظر نیستند، یادآور یکدیگرند و با هم تناسب دارند.

○ گرت اسب بر سر دواند رواست // بنه پیش او رخ که شاهی خوش است

• واژه‌های اسب، رخ و شاه در این بیت نام برخی مهره‌های بازی شطرنج را به ذهن تداعی می‌کنند؛ اگرچه

در این معانی و کاربرد در کلام مدّ نظر نیستند.

○ هر دم به اشارات، شدم هر سویی // شاید که بیابم از شفاپی، بویی

دردا که نیافتم به قانون جز شعر // از بهر نجات روح خود دارویی

• در این رباعی که از دکتر شفیع کدکنی است واژه‌های اشارات، شفا، قانون و نجات آثار معروف ابوعلی سینا را

به ذهن تداعی می‌کنند؛ اگرچه این واژه‌ها در این معانی و کاربرد در کلام مدّ نظر نیستند.

□ یادآوری (۱) : در شعر فارسی گاه نمونه‌هایی یافت می‌شود که یک واژه در بیتی در معنایی که مدّ نظر نیست با واژه‌ای در آن بیت

تناسب دارد و با واژه‌ای دیگر تضاد، یعنی تجمع ایهام تناسب و ایهام تضاد در یک واژه؛ مثال :

○ آشنایی نه غریب است که دلسوز من است // چون من از خویش برفتم دل بیگانه بسوخت

• خویش در این بیت به معنی خود است؛ اما این واژه در معنای خویشاوند و فامیل که در بیت مدّ نظر نیست،

از سوویی با آشنا ← تناسب دارد و از دیگر سو با بیگانه ← تضاد دارد.

□ یادآوری (۲) : در سؤالات سراسری از سال ۸۱ تا ۹۹ در واژه‌های زیر در ابیات داده شده آرایه ایهام تناسب مطرح شده‌است.

۱- شور (۷ بار) ۲- چنگ (۵ بار) ۳- پروانه (۴ بار) ۴- مهر (۴ بار) ۵- هزار (۴ بار)

۶- شیرین (۳ بار) ۷- سودا (۳ بار) ۸- مردم (۲ بار) ۹- خراب (۲ بار) ۱۰- قلب (۲ بار) ۱۱- نگاه

۱۲- آهنگ ۱۳- روی ۱۴- عین ۱۵- هوا ۱۶- پرده ۱۷- مدام ۱۸- سر ۱۹- قامت

۲۰- روان ۲۱- منصور ۲۲- غریب ۲۳- قصور ۲۴- قربان ۲۵- آیت ۲۶- دستان

۲۷- شکر ۲۸- حلاج ۲۹- سعی ۳۰- صفا ۳۱- زال ۳۲- کام ۳۳- قانون ۳۴- شفا

۳۵- راست ۳۶- راستی ۳۷- سواد ۳۸- عود ۳۹- ساز ۴۰- آهو ۴۱- باز ۴۲- میان

۴۳- روشن ۴۴- تار ۴۵- بو

## □ چند نکته دیگر درباره ایهام و ایهام تناسب :

۱- صرف برخورد با یک واژه چندمعنایی در بیتی دال بر این نیست که آن واژه **ایهام** یا **ایهام تناسب** دارد؛ بلکه ایهام یا ایهام تناسب بودن واژه‌های در یک بیت باید منطقاً اثبات شود.

۲- اگر وضعیت واژه‌های چندمعنایی را در دو آرایه **ایهام** و **ایهام تناسب** بررسی کنیم، به دو نتیجه زیر می‌رسیم :

**الف )** برخی از واژه‌های چندمعنایی هم قابلیت ایهام شدن دارند هم قابلیت ایهام تناسب شدن، یعنی هم نمونه‌های **ایهام** این نوع واژه‌ها را در شعر فارسی می‌توان یافت هم نمونه‌های **ایهام تناسب** آنها را؛ مثل واژه‌های **مدام** ، **بو** ، **قلب** ، **شیرین** و ..... به وضعیت واژه « **قلب** » در دو بیت زیر از این حیث توجه کنید :

○ جز قلب تیره هیچ نشد حاصل و هنوز // باطل در این خیال که اکسیر می‌کنند (سراسری ۹۰- تهری)

○ گر قلب دلم را نهد دوست عیاری // من نقد روان در دمش از دیده فشانم (سراسری ۸۹- انسانی)

• واژه « **قلب** » در بیت اول **ایهام** دارد ( ۱- سکّه نقلی ، شیه نقلی و پعلی ۲- دل ) اما در بیت دوم **ایهام تناسب** دارد. در بیت دوم « **قلب** » به معنی سکّه نقلی ، شیه نقلی و پعلی است که شاعر دل خود را به آن تشبیه کرده‌است؛ اما این در معنای دل که در کلام مد نظر نیست با دل در همان مصراع اول تناسب دارد.

**ب )** برخی از واژه‌های چندمعنایی عموماً قابلیت **ایهام تناسب** شدن دارند و نمونه‌های **ایهام** آنها یا به سختی یافت می‌شود یا اصلاً یافت نمی‌شود؛ مثل واژه‌های **شور** ، **چنگ** ، **پروانه** و .....

۳- در برخی سؤالات سراسری گاه در ابیاتی طراحان قائل به ایهام یا ایهام تناسب شدند که حقیقتاً یافت می‌نشود جسته‌ایم ما. به عنوان نمونه در بیت زیر که در سراسری ۹۵ برای رشته هنر آمده‌بود، در واژه « **مجنون** » قائل به **ایهام تناسب** شدند که چندان قابل قبول نیست.

○ در حقیقت تنگ‌دستی مایه دیوانگی است // در چمن بید از غم بی‌حاصلی **مجنون** شود (سراسری ۹۵- تهری)

یا مثلاً در بیت زیر ( سراسری ۹۷ یکی از سؤالات ادبیات اقتصادی کنکور خارج کشور ) در واژه « **پروانه** » طراح یا طراحان قائل به **ایهام** شدند که باز هم چندان قابل قبول نیست.

○ می‌شود روشن ز خاموشی چراغ عاشقان // در هلاک خویش چون **پروانه** بی‌تاییم ما (سراسری ۹۷- اقتصادی خارج از کشور)

۴- طراحان کنکور سراسری در دو آرایه ایهام و ایهام تناسب باید یک حد معقول و منطقی را رعایت کنند و توقع تشخیص هر نوع ایهام یا ایهام تناسبی را از دانش‌آموزان نداشته باشند.

# واژه‌های ایهامی کنکور سراسری از سال ۸۱ تا ۹۹

( در برخی از این واژه‌های پندمعنایی در کنکور سراسری نمونه ایهام ، در برخی نمونه ایهام تناسب و در برخی هر دو نمونه دیده می‌شود. )

- (۱) آب ← ۱- آب (=مایع نوشیدنی) ۲- آبرو ، اعتبار ، حیثیت
- (۲) آهو ← ۱- حیوان زیبا ( غزال ) ۲- عیب و نقص ۳- گناه و تقصیر
- (۳) آهنگ ← ۱- نغمه ، ملودی ، قطعه موسیقی ۲- قصد
- (۴) آیت ← ۱- نشانه ، نشانه شگفت ، اعجوبه ۲- آیه قران
- (۵) از دیده افتادن ← ۱- از چشم جاری شدن ۲- کنایه از مورد بی‌مهری و بی‌اعتنایی واقع شدن  
○ از دیده پیشتاد سرشکم که به شوخی // بر گوشه چشم آمد و بر جای تو بنشست (سراسری ۹۰- خارج از کشور) ← ایهام
- (۶) باری ← ۱- یک بار ۲- به هر حال
- (۷) باز ← ۱- گشوده ۲- دوباره ۳- پرنده شکاری
- (۸) بازی ← ۱- بازی و شوخی ، لعب ۲- ادای باز (پرنده شکاری) را در آوردن ، شیوه باز را در پیش گرفتن  
○ به راستی که نه همبازی تو بودم من تو شوخ دیده مگس بین که می‌کند بازی (سراسری ۸۵- انسانی) ← ایهام
- (۹) بو ← ۱- رایحه خوش ۲- امید و آرزو
- (۱۰) به ← ۱- میوه به ۲- بهتر
- (۱۱) پرده ← ۱- حجاب و پوشش ۲- نغمه و آهنگ
- (۱۲) پروانه ← ۱- نوعی حشره ۲- اجازه ، مجوز
- (۱۳) تار ← ۱- تیره و تاریک ۲- تار مو ( رشته باریک و معمولاً بلند از مو ، .... ) ۳- نوعی ساز زهی
- (۱۴) تازی ← ۱- فعل از مصدر تاختن ۲- نوعی سگ شکاری با بدن کشیده ۳- اسبی از نژاد عربی

۱۵) تمام ← ۱- کافی ، بسنده ۲- کامل

○ گو شمع میارید در این جمع که امشب در مجلس ما ماهِ رخ دوست تمام است (سراسری ۹۱- فارغ از کشور) ← **ایهام**

○ **معنی مصراع دوم:** ۱- در مجلس ما روشناییِ چهرهٔ چون ماهِ معشوق کافی است. (انتباهی به شمع نیست.)

۲- در مجلس ما چهرهٔ زیبای معشوق مانند ماه شب چهارده کامل است و روشنی می‌بخشد.

۱۶) **حلاج** ← ۱- پنبه‌زن ۲- لقب حسین بن منصور عارف قرن سوم که در سال ۳۰۹ هجری به دار آویخته‌شد.

۱۷) **خراب** ← ۱- ویران ۲- عاشق ، شیفته ، شیدا ۳- کسی که شراب بسیار نوشیده‌است ؛ سیاه‌مست

۱۸) **خسرو** ← ۱- پادشاه ۲- خسرو پرویز پادشاه معروف ساسانی

۱۹) **خواندن** ← ۱- خواندن ، مطالعه کردن ۲- طلبیدن ، دعوت کردن و فراخواندن ، احضار کردن

○ در راه تو حافظ چو قلم کرد ز سر پای // چون نامه چرا یک دمش از لطف نفوای (سراسری ۸۵- انسانی) ← **ایهام**

۲۰) **درگرفتن** ← ۱- اثر کردن ۲- شعله‌ور شدن

○ گفتم : آتش درزمن آفاق را // گفت : سعدی در گلپور با مَنّت (سراسری ۹۶- تهرانی) ← **ایهام**

۲۱) **دستِ آخر** ← ۱- سرانجام ، بالاخره ۲- دور پایانی قمار یا بازی ( یکی از معانی دست ← هر دور یک بازی)

○ من گرفتم که قمار از همه عالم بردی // دستِ آخر همه را باخته می‌باید رفت (سراسری ۹۷- هنر)

۲۲) **دستان** ← ۱- نیرنگ ، حيله ، تزویر ۲- لقب زال ۳- جمع دست ۴- آهنگ و لحن ۵- داستان

۲۳) **دلنشین** ← ۱- مؤثر ۲- در دل نشیننده ( تیر دلنشین ← تیری که مستقیم بر دل می‌نشیند یا اصابت می‌کند.)

○ تا با کمان ابرو بنشست در کمینم // در خون خویش بنشانَد در تیرِ دلنشینم (سراسری ۹۸- انسانی) ← **ایهام**

۲۴) **دور از تو** ← ۱- از دوری تو ۲- دور از تو بادا! ( دعا در معشوق)

۲۵) **دور از یار** ← ۱- از دوری یار ۲- دور از یار بادا! ( دعا در معشوق)

۲۶) **دور از روی یار** ← ۱- از دوری روی یار ۲- دور از روی یار بادا! ( دعا در معشوق)

۲۷) **دور از لب خندان تو** ← ۱- از دوری لب خندان تو ۲- دور از لب خندان بادا! ( دعا در معشوق)

۲۸) **دوراندیش** ← ۱- آینده‌نگر ۲- کسی که به دوری می‌اندیشد.

○ ای دمت عیسی دم از دوری مزن // من غلام آن که دوراندیش نیست (سراسری ۸۹- ریاضی) ← **ایهام**

۳۰) راست ← ۱- حقیقتاً، درست، عیناً، بعینه ۲- راست و کشیده بودن (مقابل خمیدگی) ۳- متناسب، برازنده

○ چو قد سر خرام تو بگویم سخنی // در چمن سرو به بالای تو می ماند راست (سراسری ۹۷- ریاضی) ← **ایهام** (معنای ۱ و ۲)

○ به قامت خوش خوبان نگاه می کردم // لباسِ حُسن تو دیدم به قد هر یک راست (سراسری ۹۹- انسانی) ← **ایهام** (معنای ۱ و ۳)

۳۱) راست ← ۱- را + است ۲- از الحان و آهنگ‌های قدیم ایرانی

○ ناله‌ی راست صد تنگ شکر در آستین // بندبندش گر پر از شکر نباشد گو مباش (سراسری ۹۹- ریاضی) ← **ایهام تناسب**

۳۲) راستی ← ۱- حقیقتاً، واقعاً ۲- راست و مستقیم بودن، راست و کشیده بودن

۳۳) رخ ← ۱- چهره، صورت، گونه ۲- مهره رُخ در بازی شطرنج

۳۴) روان ← ۱- جاری، رونده ۲- روح و جان ۳- رایج (نقد روان: پول رایج) ۴- شیوا و بدون پیچیدگی

۳۵) روزی ← ۱- رزق و روزی ۲- یک روز ۳- بهره و نصیب

۳۶) روشن ← ۱- تابنده، درخشان ۲- آشکار، واضح، معلوم، قابل فهم

۳۷) روی ← ۱- چهره و صورت ۲- نوعی فلز ۳- امکان ۴- دلیل و سبب

۳۸) زال ← ۱- پیر و سفیدمو، به ویژه زن پیر و سفیدمو ۲- نام پدر رستم

۳۹) زخم ← ۱- فعل از مصدر زدن گروه آموزشی عصر ۲- زخم هستم

○ گر به مراد من روی ور نیروی تو حاکمی // من به خلاف رای تو گر نفسی زخم، زخم (سراسری ۹۴- ریاضی) ← **ایهام**

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

۴۰) ساز ← ۱- ابزار موسیقی ۲- بن مضارع از مصدر ساختن ۲- آیین، طریقه، راه و روش

۴۱) سر ← ۱- عضوی از بدن ۲- برتر، بهتر ← هر که سر از پا نمی‌داند در این سورا مییر است.

۴۲) سعی ← ۱- تلاش و کوشش ۲- در مراسم حج، حج گزاران هفت بار فاصله میان صفا و مروه را می‌پیمایند، این عمل

«سعی» نام دارد.

۴۳) سواد ← ۱- رونوشت ، نسخه ۲- پیش‌نویس ، چرک‌نویس ۳- سیاهی

۴۴) سودا ← ۱- داد و ستد ، معامله ۲- عشق ، شیفتگی ، محبت ۳- سیاه ( مؤنث آسور )

۴۵) شاه ← ۱- پادشاه ۲- مهره شاه در بازی شطرنج

۴۶) شاهد ← ۱- گواه و شاهد ۲- زیبارو ، معشوق و محبوب

۴۷) شفا ← ۱- بهبود یافتن از بیماری ۲- نام یکی از آثار معروف ابوعلی سینا در زمینه فلسفه

۴۸) شکر ← ۱- ماده سفید شیرین ۲- زنی زیبا از اهالی اصفهان که به روایت نظامی در مقطعی کوتاه همسر خسرو پرویز شد.

۴۹) شور ← ۱- شوق و هیجان ، عشق ۲- مزه شور ۳- یکی از هفت دستگاه موسیقی ایرانی

۵۰) شهریار ← ۱- پادشاه ، شاه ، حاکم و فرمانروا ۲- تخلص یا نام هنری شاعر معاصر محمدحسین بهجت تبریزی  
○ به شهر عشق منم شهریار و چون حافظ // منم که شهره شهرم به عشق ورزیدن (سراسری ۹۳- تهری) ← ایهام

۵۱) شیرین ← ۱- شاهزاده ارمنی معشوق خسرو پرویز و فرهاد ۲- مزه شیرین ۳- مطبوع و دلنشین  
۴- به طور دلپذیر ، خیلی خوب

۵۲) صفا ← ۱- پاکی ، صمیمیت ، طراوت ۲- تپه‌ای در مکه که دنباله کوه ابوقبیس است.

۵۳) طاق ← ۱- فرد ؛ مقابل جفت ۲- یگانه ، یکتا ، بی‌همتا ۳- بخش قوسی هر چیز مانند ابرو ، محراب ، ایوان و کمان  
۴- سقف قوسی شکل ۵- ایوان سقف‌دار ، رواق

۵۴) عزیز ← ۱- گرامی ، محبوب ، ارجمند ۲- لقب و عنوان پادشاهان مصر تصور شده است.

۵۵) عود ← ۱- نوعی ابزار موسیقی ۲- درختی که چوب آن با سوزاندن بوی خوش می‌دهد.

۵۶) عهد ← ۱- پیمان ۲- دوره و روزگار

۵۷) عین ← ۱- چشم ۲- چشمه ۳- مانند ، شبیه



۵۸) غریب ← ۱- دور افتاده از وطن ۲- شگفت آور ، عجیب ۳- نادر ، یگانه ۴- دور

۵۹) قامت ← ۱- قد و قامت ، قد و بالا ۲- « الله اکبر » آغاز نماز ( قامت بستن ) ← آغاز کردن نماز با تکبیره الامرام

۶۰) قربان ← ۱- قربانی ۲- عید قربان

۶۱) قصور ← ۱- عیب و کاستی ۲- گناه ، خطا ۳- قصرها ، کاخها

۶۲) قلب ← ۱- دل ۲- مرکز سپاه ۳- شیء تقلبی و جعلی به ویژه سکه تقلبی ۴- تقلبی ، ناخالص ← نقر قلب

۶۳) کام ← ۱- دهان ۲- آرزو ، آنچه خواسته دل است. ۳- خواست و اراده ، قصد

۶۴) مجنون ← ۱- دیوانه ۲- لقب عاشق معروف عرب قیس بن ملوح که عاشق لیلی بود.

۶۵) مخالف ← ۱- مخالف و ناسازگار ۲- از الحان و آهنگهای قدیم ایرانی ؛ گوشه‌ای در دستگاه سه‌گانه و چهارگانه

۶۶) مدام ← ۱- پیوسته و همیشه ۲- شراب

۶۷) مردم ← ۱- مردم ، انسانها ۲- مردمک چشم

۶۸) مشتری ← ۱- خریدار ۲- ستاره یا سیاره مشتری

۶۹) منصور ← ۱- پیروز ۲- حسین بن منصور عارف شهید قرن سوم ملقب به حلاج

○ به سخن دعوی حق را نتوان برد از پیش // هر که سر بر سر این دار کند منصور است ( سراسری ۹۳- خارج از کشور ) ← ایهام

www.my-dars.ir

۷۰) مهر ← ۱- عشق و محبت ۲- خورشید

۷۱) میان ← ۱- وسط ۲- کمر

۷۲) نگاه ← ۱- نظر ، دید ۲- نگاه ، حفاظت ، نگهبانی ( نگاه داشتن ) ۳- چشم

۷۳) نگران ← ۱- نگران و دل‌واپس ۲- نگاه کننده ، بیننده ۳- مواظب ، مراقب ۴- منتظر ، چشم به راه

۷۴) نوا ← ۱- نغمه و آواز ۲- از الحان و آهنگ‌های قدیم ایرانی ۳- وسایل مورد نیاز زندگی ، لوازم معاش

۷۵) هزار ← ۱- عدد هزار ۲- بلبل

۷۶) هوا ← ۱- هوا ۲- هوس ، خواهش نفس ۳- میل ، آرزو ، تمنا ۴- محبت ، دوست‌داری



مای درس

گروه آموزشی عصر

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)